



از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ طرح آمریکایی‌ها تفاوتی نکرده است

ونزوئلا؛ ایستگاه جدید برای براندازی دولت‌های ملّی



سرمقاله

و یک قرن تحمیل دیکتاتورهای وابسته به آمریکا، هنوز در قرن بیست‌ویکم مشغول دست‌وپنجه نرم کردن با سایهٔ سنگین سلطه است. جرم جوامع این منطقه فقط یک چیز است: آن‌ها می‌خواهند خودشان برای سرنوشت‌شان تصمیم بگیرند؛ نه اینکه فرمان سرنوشت‌شان از واشنگتن صادر شود یا بخشی از جغرافیای منفعت‌طلبانهٔ مقامات کاخ سفید باشند. در ۵۰ سال گذشته هر وقت جوامع منطقه نخواسته‌اند زیر بار سلطه و استیلا بروند، شمشیر غرب از نیام بیرون آمده، به همین دلیل هم تقریباً همهٔ درگیری‌های ۵ قرن اخیر علیه استعمارگران و دست‌نشانده‌های آنها بوده. انگار که استعمار قدیم و جدید عهد کرده‌اند آب خوش از گلوی مردم نجیب این منطقه پایین نرود. جرم آمریکای جنوبی این است که با نه گفتن به استیلا و سلطه، اسرار باطن استعمار جدید و قدیم را هویدا می‌کنند. ■

وابسته به آمریکا و بلوک غرب، تبدیل به پادگان‌های امپریالیستی دنیا شدند تا حافظ منافع سیاسی و اقتصادی غرب باشند. جنگ افروزی‌ها و لفاظی‌های امروز ایالات متحده علیه ونزوئلا نه تنها جدید نیست، بلکه دقیقاً در امتداد ۷۵ سال استعمار نوین این منطقه قرار دارد. اگر مقامات کاخ سفید برای نفت، طوق بردگی را به زور برگردن جوامع غرب آسیا انداختند، در آمریکای جنوبی، آن‌ها حتی به میوه و کشاورزی این مردم نیز رحم نکردند. بخشی غم‌انگیز از تاریخ این منطقه، داستان شلتاق سرمایه‌داری آمریکا و کشیدن تسمه از گردۀ مردم توسط شرکت‌هایی بوده که با حمایت دیکتاتورهای فاسد مورد حمایت واشنگتن، محصولات میوه و کشاورزی منطقه را به غارت می‌بردند.

قصهٔ فشار، تحریم و محاصرهٔ امروز ونزوئلا توسط کاخ سفید، باز هم همان قصهٔ چند صد سالهٔ استعمار قدیم و قصهٔ ۷۵ سالهٔ استعمار نوین است. آمریکای جنوبی پس از ۴۰۰ سال استعمار مستقیم اروپاییان

آمریکا بر عهده گرفت. صنعت و اقتصاد آمریکا که شکوفایی خود را مدیون جنگ عالم‌گیری بود که شعله‌هایش به خاک این کشور نرسید، پس از جنگ جهانی دوم باید روند رشد و سیطرهٔ خود را ادامه می‌داد. این پیشروی بر پایهٔ نفت، مواد اولیهٔ معدنی و محصولات کشاورزی سایر نقاط دنیا بنا شده بود. بی‌دلیل نیست که جغرافیای آمریکای جنوبی تقریباً همزمان با غرب آسیا، به یکی از مهم‌ترین نقاط مورد طمع واشنگتن تبدیل شد. در این میان، کودتای ۲۸ مرداد برای براندازی دولتی ملی در ایران که ملی شدن صنعت نفت را هدف قرار داده بود، عملاً به یک راهنمای عملی برای براندازی دولت‌های مستقل در آمریکای جنوبی تبدیل شد؛ دولت‌هایی که به ساز مقامات کاخ سفید نمی‌رقصیدند. نتیجهٔ این مداخلات آن شد که جوامع آمریکای لاتین در طول نیمهٔ دوم قرن بیستم، با راهبری دیکتاتورهای

﴿﴾ «مردم در منطقهٔ آمریکای جنوبی، ونزوئلا و کشورهای دیگر منطقه به شدت آرام و فراری از تنش و درگیری‌اند.» اینها بخش‌هایی از روایتی است که یکی از دیپلمات‌های کشورمان از روحیهٔ اجتماعی مردم در امریکای جنوبی دارد. مردمی که در طول تاریخ خودشان هر قدر نجابت به خرج داده و اهل آرامش بوده‌اند اما به همان اندازه هم مورد طمع استعمارگرانی از پرتغال، فرانسه، هلند و اسپانیا بوده‌اند.

برخلاف تصور، منشأ اکثریت غالب درگیری‌ها در پانصد سال اخیر این منطقه، نه نزاع‌های داخلی، بلکه قیام‌ها و ستیزه‌هایی علیه استعمارگران و دست‌نشانندگان محلی آن‌ها بوده است. پیش از قرن نوزدهم، تاریخ آمریکای لاتین کارنامهٔ پرباری از مقاومت‌های مردمی و قیام‌های خونین علیه دستگاه استعماری اسپانیا، فرانسه و پرتغال را به ثبت رسانده است. اما با افول قدرت‌های سنتی اروپایی پس از پایان جنگ جهانی دوم، دوران جدیدی از سلطه در منطقه آغاز شد که رهبری آن را ایالات متحدهٔ

پیام صوتی یک هموطن ایرانی خطاب به نیروهای مسلح ایران	تشکر می‌کنم. با صدای بلند اعلام می‌کنم می‌بایست جلوی این زورگویی‌ها با تمام توان ایستاد. الله اکبر، الله اکبر، این صدای ملت ایران است.	﴿﴾ الله اکبر؛ این صدای ملت ایران است. الله اکبر. من صمیمانه از زحمات و تلاش‌های بی‌دریغ و شبانه‌روزی نیروهای مسلح کشور عزیزم، ایران عزیزم،	سید محمد خاتمی <i>این صدای ملت ایران است</i>
--	---	---	--

بازی خوانی

شرط پایان دشمنی؛
ناامیدی یا اصلاح دشمن

﴿﴾ انقلاب یک حرکت عظیمی بود برای اینکه وابستگی و عقب‌ماندگی را-این دودلّت بزرگ را- به برکت اسلام و راهنمایی ورهبری اسلام، از این ملّت برزاید. آن کسانی که از وابستگی ایران به خودشان بهره می‌بردند، امروز با ما دشمنند؛ دشمن خونی! آن کسانی که از عقب‌ماندگی ملّت ایران منتفع میشدند، امروز با ما دشمنند؛ دشمن خونی، دشمن آشتی ناپذیر. البته این دشمنی ممکن است تا قیامت طول نکشد، عتبی الله آن یَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوْدَّةً؛ ممکن است یک وقتی اتفاق بیفتد در آینده -صد سال دیگر، پنجاه سال دیگر، نمیدانیم- که این دشمنی از بین برود، اَمّا شرط از بین رفتن دشمنی چیست؟ این که او ناامید بشود یا اصلاح بشود؛ که حالا این اصلاح شدن بعید است، اصلاح شدن ابرقدرت‌ها بعید است. خب پس این دشمنی هست. آن درسی که ما باید بگیریم مبنی بر این است که دشمن را بشناسیم، سمت و سوی کار دشمن را بدانیم، آن قدر بصیرت پیدا کنیم که هر حرکتی که دشمن انجام میدهد، بفهمیم که هدفش چیست. اگر متوجه ما و متعرض به ما است، علاج کنیم آن را، بایستیم، مقاومت کنیم؛ این وظیفه‌ی ما است.

﴿﴾ رهبر انقلاب اسلامی؛ ۱۳۹۵/۱۰/۱۹

بنی آدم اعضای یکدیگرند

یک ایران، همدل است

﴿﴾ تجلیل از خانواده معزز دوتن از شهدای تکواندوکار جنگ ۱۲ روزه، شهید عبدالله عرب صادق آبادی و شهید علی حیدری، در جریان برگزاری مسابقات انتخابی تکواندو بسیج استان خوزستان




فرزند ایران

ستونِ خانه

﴿﴾ مرد به نقطه‌ای نامعلوم خیره می‌ماند. چانه‌اش می‌لرزد. اشک در چشمانش حلقه می‌زند. نفس عمیقی می‌کشد و بغضش را قورت می‌دهد: «مادرم شصت سالش بود. در شهرستانِ آرنایِ استان لرستان به دنیا آمده بود. هم همسر جانباز بود، هم خواهر جانباز. با پدرم پسر عمو، دختر عمو بودند. از سال شصت و چهار که ازدواج می‌کنند با پدرم به تهران می‌آیند. مادرم خیلی زن صبوری بود. با از دست دادنش ستون زندگی‌مان از دست رفت. ما سه تا برادریم که نداشتن خواهر باعث شد سنگ صبور درد دل‌های مان مادر باشد.» مرد سرش را به نشانه‌ی افسوس به چپ و راست تکان می‌دهد. دست‌ها را روی هم می‌گذارد و روی پایش فشار می‌دهد: «حوالی دوازده شبِ بیست و پنج خرداد، موشک به محله‌مان نارمک خورد. خانواده‌ی من و برادرم و پدرم و مادرم در طبقات مختلف یک ساختمان زندگی می‌کردیم. همه‌ی آن ساختمان خراب شد و مادرم از میان ما رفت. مزارش در قطعه‌ی چهل و دو بهشت زهرا است.» شهیده اعظم میرزایی مادری که با رفتن خود، در و دیوار خانه را هم با خود بُرد که بعد از او خانه‌ای نباشد که فرزندانش با دیدنِ خانه‌ی بدون حضور مادر غصه بخورند.

﴿﴾ سیده اعظم الشریعه موسوی